

سفالگران کاشان و شعر فارسی^۱

عبدالله قوچانی

زبان فارسی نوشته شده است (تصویر ۳).^۳ این پارچه در موزه هنرهای زیبای بوستن نگهداری می‌شود. آنچه از اشعار این پارچه مشخص است چنین است:

جو... جو خرم راغ آراسته
چون نو بهاران باغ فرخنده آزاد بسته (؟)
شدی بر همه.....
در کارگه امیرک صباغ مزیسته (کذا)

در اواخر قرن پنجم هجری، تزئین کوزه‌ها و ققمقه‌ها و سایر ظروف مخصوص نگهداری آب با یک بیت شعر دارای مضمون مربوط به آب معمول شد. چند نمونه از این ظرفها و قالب آن در موزه ملی ایران موجود است. بیت زیر از آن جمله است:

آب خوشتر هزار باره زمی
و من الماء کل شیء حی

این بیت مطلع قصیده‌ای از عطاء رازی^۴ معروف به ناکوک است که

حاشیه:

(۱) این مقاله متن سخنرانی نگارنده است که در تاریخ ۲۰ فروردین ماه ۷۳ در «موزه بریتانیا» در لندن ایراد شد.

(۲) تصویر این قطعه سفال از مرجع زیر تهیه شده است:

Wilkinson Ch.K., *Nishapur Pottery of the Early Islamic Period*, New York, 1973, p. 358, pl. 161.

(۳) اشعار روی این پارچه را قبلا مرحوم مجتبی مینوی خوانده است و ترجمه انگلیسی آن را در مرجع زیر که عکس پارچه نیز از آن تهیه شده چاپ کرده است:

Bulletin of the American Institute for Iranian Art and Archaeology, Mojtaba Minovi, «A Persian Quatrain on a Dyed Silk», vol. V, No.2, Dec 1973, pp. 170-71.

(۴) مجمع الفصحاء، رضا قلیخان هدایت، تصحیح مظاهر مصفا (تهران، امیرکبیر)، ج ۲، ص ۸۷۵

ادیبان و مصححان در بررسی اشعار فارسی دیوانها تا به حال به یکی از منابع سندی بسیار مهم توجه نکرده‌اند و آن نوشته‌های روی سفال، کاشی، فلز، پارچه و امثال اینهاست. سابقه ساخت اشبایی که اشعار فارسی روی آنها نوشته شده به قرن چهارم هجری می‌رسد. بسیاری از این اشیا در حال حاضر زینت بخش موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی ایران و جهان است.

قدیمترین سفال مزین به شعر فارسی که نگارنده تاکنون شناسایی کرده از قرن چهارم هجری است که از نیشابور به دست آمده است. شعر روی سفال (تصویر ۱)^۲ چنین است:

نگهدار بادا جهان آفرین
بهر جا که باشد خداوند این

این بیت در سده‌های ۶ و ۷ و ۸ هـ نیز روی صدها کاشی و سفال دیگر آمده است. نوع خط شعر این قطعه سفال نسخ است، در حالی که روی یک قالب سفالی که از ری به دست آمده و برای تولید سفالینه‌های متنوع ساخته شده است، قسمتی از یک بیت شعر فارسی به خط کوفی دیده می‌شود (تصویر ۲)؛ این قالب در موزه ملی ایران (موزه ایران باستان) محفوظ است. نوع خط کوفی این قالب به قرن پنجم هجری تعلق دارد و آنچه از نوشته‌های این قالب باقی مانده چنین است:

... خیزد وین خانه بماناد مقیم

لهوا طرب انشاط با یاذ [شاید به جای ناز] نعیم

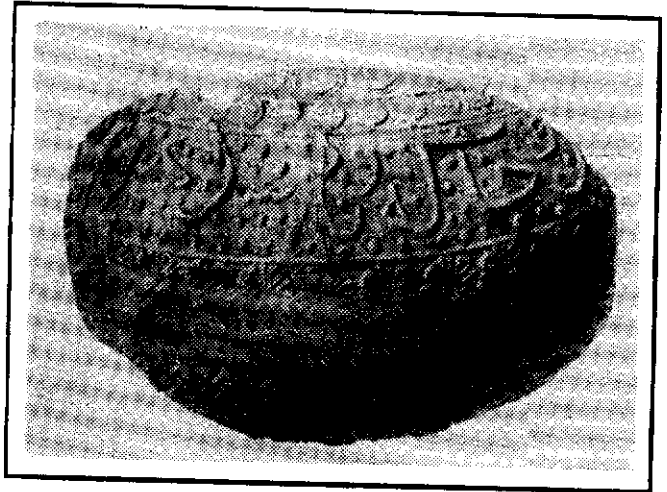
استفاده از اشعار فارسی در قرنهای چهارم و پنجم هجری بر روی اشیا، بسیار محدود است. به غیر از سفال، روی یک پارچه ابریشمی نیز، که متعلق به قرن پنجم هجری است، اشعاری به

در سال ۴۷۱ هجری در گذشته است. او، به روایت متون قدیم، پس از اظهار ندامت از شرب خمر این قصیده را سروده است. جواب این قصیده را در قرن هفتم هجری نظام‌الدین قمر اصفهانی در قصیده‌ای به مطلع

خمر خوشتر هزار باره ز آب
و من الخمر کل شیخ شاب

داده است.^۵

در قرن ششم هجری يك خاندان کاشانی، که نزد متخصصان هنر اسلامی ایران به خاندان ابوطاهر کاشانی معروف است، شروع به ساختن سفال و کاشی ویژه‌ای کردند. این خاندان برای تزئین کاشی و سفالینه‌هایی که می ساختند از اشعار فارسی و گاهی عربی استفاده می کردند.



(تصویر ۱)

کاشیها و سفالینه‌های تاریخ‌دار بسیاری که به دست افراد این خاندان ساخته شده و متعلق به سده‌های ششم و هفتم و هشتم هجری است هم اکنون موجود است. احتمالاً پس از قرن هشتم هجری نیز افراد این خاندان به این کار اشتغال داشته‌اند. خاندان ابوطاهر کاشانی با این کار خود به ادبیات فارسی خدمتی بزرگ کرد و باعث شد که اشعار اصیل فارسی حفظ شود.



(تصویر ۲)

قسمت اعظم اشعاری که بر روی سفالها و کاشیها نوشته شده رباعی است، ولی از انواع دیگر شعر فارسی، مانند غزل، ملمع، شکوایات، قطعه و از اشعار فردوسی نیز استفاده شده است. نگارنده تا به حال موفق به خواندن حدود ۶۰۰ رباعی و غزل و انواع دیگر شعر شده که روی کاشی و سفال نوشته شده است؛ تعدادی از این اشعار خوانده شده چاپ شده است.^۶



(تصویر ۳)

اشعار فارسی روی این سفالها و کاشیها متعلق به شاعران نامدار و بعضاً گمنام فارسی زبان است. تا به حال اشعار حدود ۱۰۰ شاعر که شعرشان روی کاشی و سفال نوشته شده شناسایی شده است.

از جمله شاعرانی که اشعاری از آنان روی کاشی و سفال آمده است می توان از بابا افضل کاشانی (با بیشترین تعداد رباعیات)، عمر خیام، مولوی، انوری، فردوسی، سنائی، جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی و کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی نام برد. خاندان ابوطاهر، چون به معانی زیبای رباعیات و اشعار فارسی بیشتر توجه داشته‌اند، احتیاجی به ذکر نام سراینده اشعار نمی دیدند. در حال حاضر، یگانه نمونه سفال مزین به شعر که با نام شاعر همراه است، قطعه سفال زرین فامی از يك کوزه است که تنها این جمله روی آن باقی مانده است: «اثیر اخسیکتی گوید». روی کاشی نیز يك نمونه با نام شاعر موجود است که بر آن اشعاری از عبدالعزیز بن آدم قمی در مدح حضرت علی (ع) نقش است. این کاشی، که در حدود سال ۶۱۲ هـ ساخته شده، روی

دیوار داخل حرم امام رضا (ع) نصب است. چند نمونه سفال و کاشی نیز موجود است که روی آن تصریح شده که سراینده اشعار خود سفالگر است.

اشعار نوشته شده روی اشیا از دو جهت درخور بررسی است: یکی از لحاظ مقایسه آن اشعار با اشعاری که در نسخه‌های خطی و کتب چاپی آمده است. در این مورد نگارنده در مقاله^۷ و کتابی که به همت مرکز نشر دانشگاهی چاپ شده^۸ بحث کرده است؛ دیگر، از لحاظ بررسی صحت انتساب اشعاری که در دیوانهای مختلف ثبت شده و بسیار مهم است. در مقاله حاضر در این باره بحث خواهد شد.

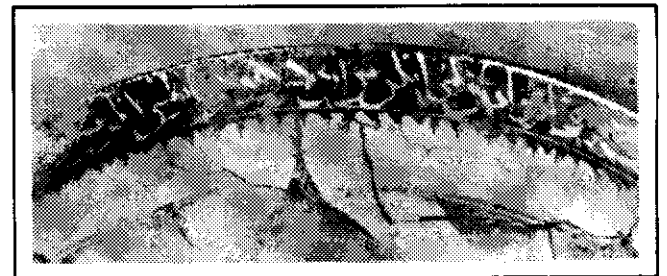
با توجه به اینکه قسمت اعظم سفالینه‌ها و کاشیها تاریخ ساخت دارد، از این راه می‌توان انتساب بعضی از اشعار را به شاعری منتفی دانست؛ بخصوص اگر بدانیم که تولد آن شاعر بعد از تاریخ ساخت سفال و کاشی بوده یا اینکه در زمان ساخت سفال یا کاشی شاعر کودک یا نوجوان بوده است.

در این مقاله فقط در مورد انتساب تعدادی رباعی و يك ملمع و يك تك بیت شعر به مولانا جلال‌الدین محمد بلخی بحث خواهد شد و با چاپ تصاویر سفالینه‌ها و کاشیهای تاریخ‌دار، نادرستی انتساب آن اشعار به مولانا به اثبات خواهد رسید.

نگارنده تاکنون تعداد ۲۶ رباعی و يك ملمع و يك تك بیت منسوب به مولانا روی اشیا شناسایی کرده است. براساس مدارک نگارنده ۱۵ رباعی از این ۲۶ رباعی و يك ملمع آن به طور قطع از مولانا نیست؛ و بقیه رباعیات و يك بیت شعر هم به احتمال زیاد به مولانا تعلق ندارد، ولی فعلا برای این نظر مدرک کافی در دست نیست. یادآوری این نکته لازم است که مولانا در سال ۶۰۴ هـ ق متولد شده و در سال ۶۷۲ هـ ق درگذشته است. اینک براساس تصویر هر شیء به بحث تفصیلی می‌پردازم.

تصویر ۴

متعلق به کاسه سفالین زرین فامی است که در ماه صفر ۶۰۱ هـ ساخته شده است. این کاسه که در موزه ملی ایران نگهداری می‌شود، به دست محمدبن ابی منصور الکاشی ساخته شده است.



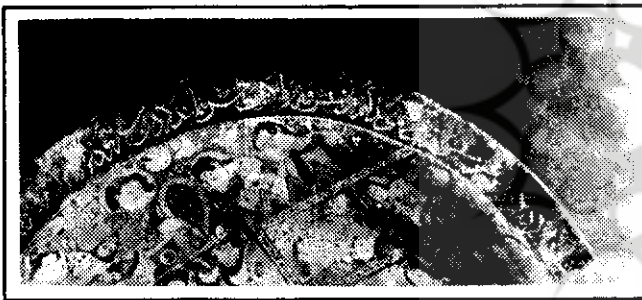
(تصویر ۴)

بر رویه درونی و بیرونی کاسه دورباعی نوشته شده که یکی از آنها (رباعی رویه درونی) به مولانا منسوب است^۹. چون این کاسه سه سال پیش از تولد مولانا ساخته شده انتساب رباعی روی آن به وی نادرست است. متن کامل این رباعی که قسمتی از آن روی کاسه مشخص است چنین است:

ای عشق تو در جان کسی وان کس من
وی درد تو درمان کسی وان کس من
گویی که ببینم لب چون قند ترا
خاییده به دندان کسی وان کس من

تصویر ۵

متعلق به بشقاب سفالین زرین فامی است که در شعبان ۶۰۴ هـ ساخته شده و در موزه رضا عباسی در تهران موجود است. یکی از رباعیات منسوب به مولانا روی این بشقاب نوشته شده است^{۱۰} که به علت مقارن بودن سال ساخت این بشقاب با سال تولد مولانا این انتساب نادرست است. متن کامل این رباعی چنین است:



(تصویر ۵)

حاشیه:

(۵) دیوان نظام‌الدین محمود قمر اصفهانی، به اهتمام تقی بینش (مشهد، باران، ۱۳۶۳)، ص ۱۸۵.

(۶) رک. به نوشته‌های زیر:

- مقدمه‌ای بر هنر کاشیگری ایران (تهران، موزه رضا عباسی، ۱۳۶۲).

- عبدالله قوجانی، «اشعار فارسی روی کاشیهای مجموعه دکتر محسن مقدم»، مجله باستانشناسی و تاریخ، س ۱، ش ۱، ۱۳۶۵.

- «سفالینه‌های زرین فام و نقاشی شده زیر لعاب»، مجله باستانشناسی و تاریخ، س ۱، ش ۲، ۱۳۶۶.

- نامواره محمود افشار (تهران، انتشارات مجله آینده، ۱۳۷۰، ج ۶).

(۷) مندرج در نامواره محمود افشار (ج ۶).

(۸) اشعار فارسی کاشیهای تخت سلیمان، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۱.

(۹) کلیات شمس تبریزی، تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، ج ۸ (تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۱)، ص ۱۴۴۱، رباعی ش ۱۴۲۰. این رباعی بدون ذکر نام سراینده آن در این اثر نیز ضبط شده است: نزّهة المجالس فی الاشعار، گردآورده جمال‌الدین خلیل شروانی، تصحیح دکتر محمد امین ریاحی (تهران، زوار، ۱۳۶۶)، ص ۵۶۱، رباعی ش ۳۷۰۱.

(۱۰) کلیات شمس تبریزی، ص ۱۴۰۲، رباعی ش ۹۹۷.

هر که در نگرَد [کذا] به چشم مستش
همیشه دعای بد کنم بیوستش
ور [زانک] به انگشت رخس بنماید
گر دست رسم بود بیرم دستش

تصویر ۶

متعلق به کاشی زرین فامی است که در شعبان ۶۰۴ هـ ساخته شده است و در موزه هنرهای زیبای بوستن نگهداری می‌شود.^{۱۱} در حاشیه کاشی سه رباعی نوشته شده که یکی از آنها به مولانا منسوب است.^{۱۲} ولی، با توجه به سال تولد مولانا و سال ساخت کاشی، این انتساب نادرست است. این رباعی به روزبهان بقلی نیز منسوب است.^{۱۳} متن کامل این رباعی چنین است:

خود را به حیل در افکنم مست آنجا
تا بنگرم آن جان و جهان هست آنجا
یا پای رساندم به مقصود و مراد
یا سر بنهم همچو دل از دست آنجا

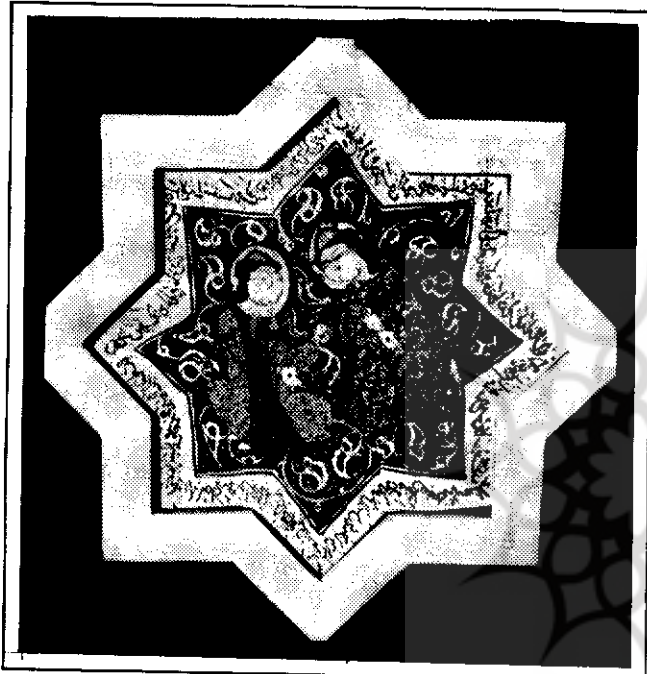
تصویر ۷

متعلق به کاشی زرین فامی است که در محرم ۶۰۵ هـ ساخته شده است و در مجموعه مرحوم محسن مقدم در تهران محفوظ است. روی این کاشی سه رباعی و یک بیت شعر نوشته شده است که یک رباعی آن منسوب به مولانا است.^{۱۴} با توجه به این که در زمان ساخت این کاشی مولانا یک ساله بوده، انتساب این رباعی به وی نادرست است. این رباعی به کمال الدین اسماعیل اصفهانی نیز منسوب است.^{۱۵} متن کامل این رباعی چنین است:

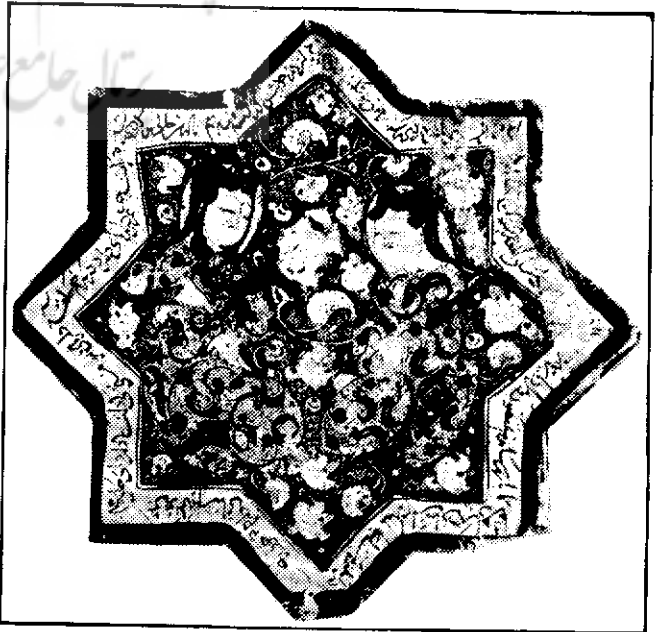
من دوش به کاسه رباب سحری
می نالیدم ترانه کاجغری
با کاسه می در آمد آن رشک پری
گفتا که اگر کاسه زنی کوزه خوری

تصویر ۸

متعلق به بشقاب سفالین زرین فامی است که در جمادی الآخر ۶۰۷ هـ به دست سید شمس‌الدین حسنی معروف به ابوزید



(تصویر ۷)



(تصویر ۶)



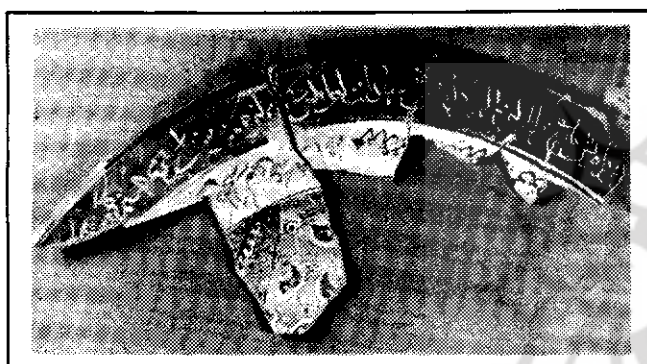
(تصویر ۸)

ساخت کاشی مولانا کودک پنج ساله‌ای بوده نمی‌تواند از آن مولانا باشد. آن را به سنائی^{۲۰} و اوحدالدین کرمانی^{۲۱} نیز نسبت داده‌اند. متن کامل آن چنین است:

عاشق شوی ای دل وز جان اندیشی؟
دزدی کنی و ز پاسیان اندیشی؟
دعوی محبت کنی و لاف زنی
وانگه ز زبان این و آن اندیشی؟

■ تصویر ۱۰

متعلق به قطعه سفالی است از بشقاب زرین فامی که در ذیحجه ۶۱۱ هـ ساخته شده است و در موزه ملی ایران نگهداری می‌شود. روی این قطعه سفال قسمتی از یک رباعی منسوب به مولانا نوشته



(تصویر ۱۰)

حاشیه:

(۱۱) تصویر این کاشی از مرجع زیر تهیه شده است:

A.U. Pope, *A Masterpieces of Persian Art*, The Dryden Press Publishers, New York, 1954, p. 118, pl. 82.

(۱۲) کلیات شمس تبریزی، ص ۱۳۱۵، رباعی ش ۴۴.

(۱۳) *عبر العاشقین*، به کوشش هنری کریم (تهران، انجمن ایران شناسی فرانسه، ۱۳۶۰)، ص ۸۶. این رباعی بدون ذکر نام سراینده آن در *نزهة المجالس فی الاسعار*، ص ۵۶۱، رباعی ش ۳۷۰۲ نیز آمده است.

(۱۴) کلیات شمس تبریزی، ص ۱۴۹۱، رباعی ش ۱۹۶۵.

(۱۵) *نزهة المجالس فی الاسعار*، ص ۱۴۳، رباعی ش ۲۵۳، این رباعی در دیوان کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی نیامده است.

(۱۶) عکس این بشقاب و کتیبه‌های آن از مرجع زیر تهیه شده است:

Ars Orientalis, Grace D. Gaost and R. Ettinghausen, «The Iconography of a Kāshān Luster Plate», vol. 4, 1961, pp. 25-64, pl. 1-2.

(۱۷) کلیات شمس تبریزی، ص ۵۱۵، بیت سوم این ملمع در این مرجع نیامده است.

(۱۸) عکس این کاشی از مرجع معرفی شده در حاشیه ۱۱ (ص ۱۱۹، تصویر ۸۳) تهیه شده است.

(۱۹) کلیات شمس تبریزی، ص ۱۴۸۵، رباعی ش ۱۹۰۲.

(۲۰) *نزهة المجالس فی الاسعار*، ص ۱۹۹، رباعی ش ۶۹۵، این رباعی در دیوان سنائی نیامده است.

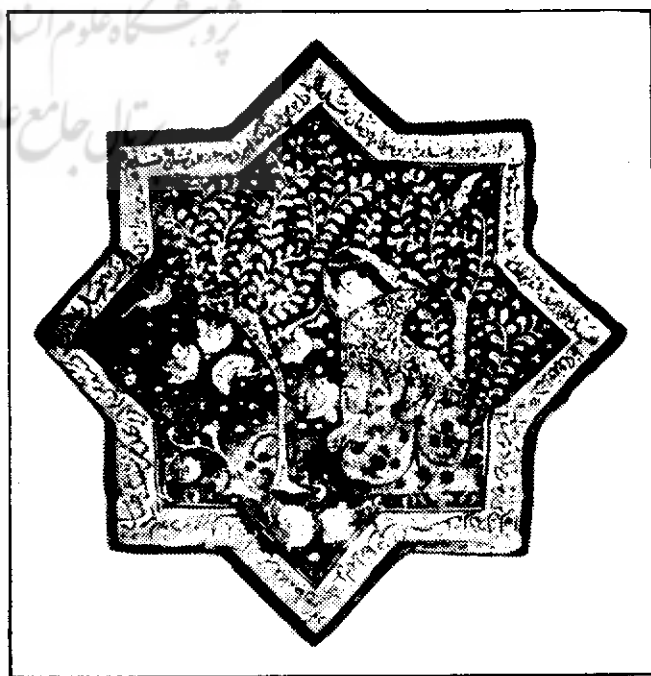
(۲۱) دیوان رباعیات اوحدالدین کرمانی، به کوشش احمد ابومحجوب (تهران، سروش، ۱۳۶۶)، ص ۲۲۴، رباعی ش ۱۰۶۵.

ساخته شده است و اکنون در فریر گالری واشنگتن نگهداری می‌شود.^{۱۶} روی این بشقاب و پشت آن اشعار زیادی نوشته شده است. اشعار روی آن ملمعی منسوب به مولانا است.^{۱۷} با توجه به اینکه در زمان ساخت این بشقاب مولانا سه‌ساله بوده، این انتساب نادرست است. متن کامل این اشعار روی چند ظرف دیگر نیز که در اوایل قرن هفتم هجری ساخته شده، از جمله روی بشقابی که در موزه ملی ایران محفوظ است، نگاشته شده است:

ای ظریف جهان سلام علیک
آن دانی و صحتی بین یدیک
داروی درد بنده چیست بگو
قبلة لو رزقت من شفتیک
گر به یک روز صید خود را گفت
قم صحیحاً هناك ذاک علیک
از تو آیم بر تو هم به فغان
آه و المستغاث منك الیک.

■ تصویر ۹

متعلق به کاشی زرین فامی است که در اول ذیقعه سال ۶۰۹ هـ به دست ابوزید، سفالگر معروف کاشانی، ساخته شده است. این کاشی در موزه عربی قاهره نگهداری می‌شود.^{۱۸} قسمتی از این کاشی ناقص و بازسازی شده است. روی این کاشی یکی از رباعیات منسوب به مولانا نوشته شده است^{۱۹} و به علت شکستگی کاشی تنها عبارت «عاشق شوی ای دل» از آن رباعی روی کاشی باقی مانده است. این رباعی به این دلیل که در زمان



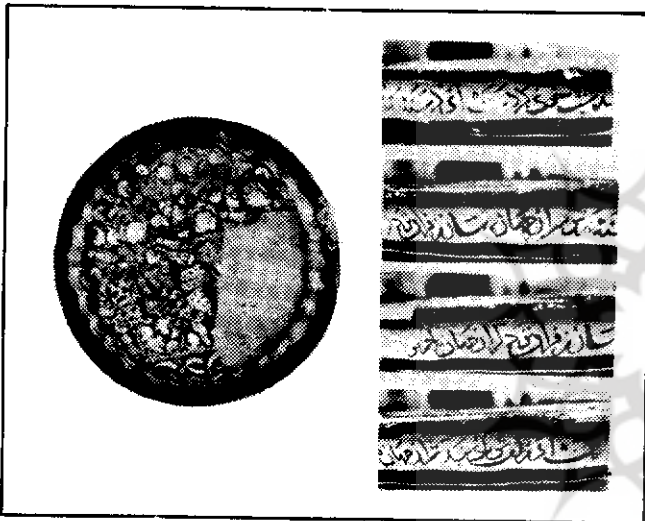
(تصویر ۹)

ساله بوده، این انتساب نادرست به نظر می‌رسد. رباعی مذکور روی چند ظرف دیگر متعلق به اوایل قرن هفتم هجری و روی دهها کاشی دیگر که در نیمه دوم قرن هفتم هجری و بعد از آن ساخته شده آمده است. متن کامل آن چنین است:

ای گرسنه مهر تو سیران جهان
ترسان ز فراق تو دلبران جهان
با چشم تو آهوان چه دارند به دست
ای زلف تو پای بند شیران جهان

■ تصویر ۱۳

متعلق به کاشی زرین فامی است که در صفر ۶۲۴ هـ ساخته شده



(تصویر ۱۲)

شده است^{۲۲} که چون مولانا در زمان ساخت این سفال هفت ساله بوده این انتساب نادرست است. این رباعی به خواجه عبدالله انصاری نیز منسوب است^{۲۳}. متن کامل آن چنین است:

بر یاد لب لعل نگین می بوسم
آنم چو به دست نیست این می بوسم
دستم چو به دست بوس لعلت نرسد
می گویم خدمت و زمین می بوسم.

■ تصویر ۱۱

متعلق به بشقاب سفالین زرین فامی است که در ماه شوال ۶۱۳ هـ ساخته شده است. این بشقاب در موزه ملی ایران نگهداری می‌شود. در حاشیه این بشقاب یکی از رباعیات منسوب به مولانا نوشته شده است^{۲۴}. چون مولانا در زمان ساخت این بشقاب نه ساله بوده، این انتساب نادرست به نظر می‌رسد. این رباعی به سنائی نیز منسوب است^{۲۵}. متن کامل آن چنین است:

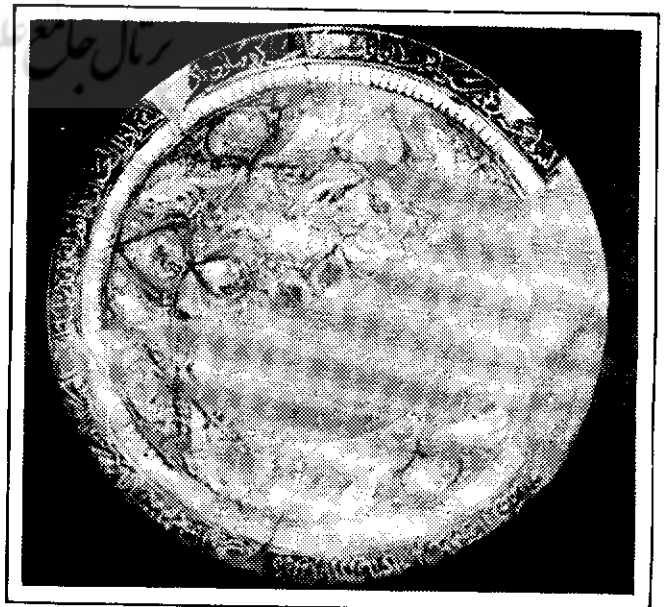
مه دوش به بالین تو آمد به سرای
گفتم که ز غیرتش بگویم سر و پای
مه کیست که او با تو نشیند یک جای
شب گرد جهان دیده انگشت نمای.

■ تصویر ۱۲

متعلق به بشقاب سفالین زرین فامی است که در شوال ۶۱۳ هـ ساخته شده است. این بشقاب، که ناقص است و بازسازی شده است، در موزه هنر اسلامی برلن غربی محفوظ است. بر پشت و روی بشقاب تعدادی رباعی نگاشته شده که یکی از آنها به مولانا منسوب است^{۲۶}، ولی چون در زمان ساخت این بشقاب مولانا نه



(تصویر ۱۳)

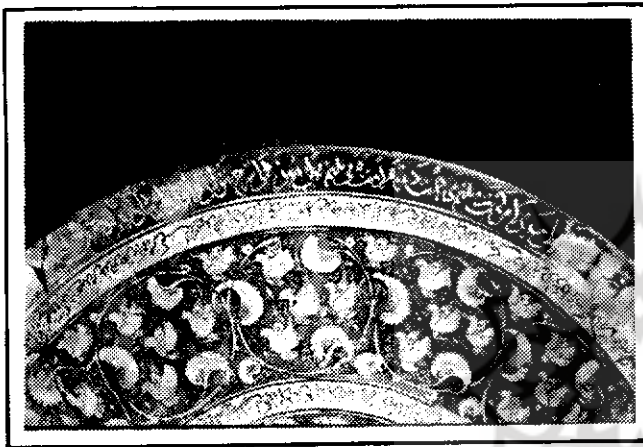


(تصویر ۱۱)

مه نور بدان گرفت کز شب نرمید
گل بوی زان بگرفت [ظ = ازان یافت] که با خار بساخت

تصویر ۱۵

متعلق به بشقاب سفالین زرین فامی است که در اوایل قرن هفتم هـ. ساخته شده است و در موزه آبگینه و سفالینه‌های ایران در تهران نگهداری می‌شود. روی این بشقاب تعدادی رباعی نوشته شده که یکی از آنها به مولانا منسوب است^{۲۵}، ولی با توجه به زمان ساخت این بشقاب (حداکثر سال ۶۱۶ هـ) و زمان تولد



(تصویر ۱۵)

حاشیه:

- (۲۲) کلیات شمس تبریزی، ص ۱۴۱۹، رباعی ش ۱۱۸۱.
 (۲۳) رباعیات منسوب به خواجه عبدالله انصاری، به کوشش محمود مدبری، (تهران، زوار، ۱۳۶۱)، ص ۴۳. این رباعی بدون ذکر نام سراینده آن در نزهة المجالس فی الاشعار، ص ۴۷۶، رباعی ش ۳۰۰۵ نیز آمده است.
 (۲۴) کلیات شمس تبریزی، ص ۱۴۹۱، رباعی ش ۱۹۶۸.
 (۲۵) نزهة المجالس فی الاشعار، ص ۴۸۹، رباعی ش ۳۱۱۰. این رباعی در دیوان سنائی نیامده است.
 (۲۶) کلیات شمس تبریزی، ص ۱۴۴۱، رباعی ش ۱۴۲۲.
 (۲۷) عکس این کاشی از مرجع زیر تهیه شده است:
 A.U. Pope, *A Survey of Persian Art*, Third Edition, Soroush Press, vol. IX, pl. 722-D.
 (۲۸) کلیات شمس تبریزی، ص ۱۳۹۴، رباعی ش ۹۱۳.
 (۲۹) سخنان منظوم ابوسعید ابوالخیر، به کوشش سعید نفیسی، ج ۲ (تهران، سنائی، ۱۳۵۰)، ص ۴۸، رباعی ش ۳۲۹.
 (۳۰) دیوان رباعیات اوحدالدین کرمانی، ص ۲۸۰، رباعی ش ۱۵۱۹.
 (۳۱) عکس این بشقاب از مرجع معرفی شده در حاشیه ۲۷، ج ۹، تصویر ۷۱۱ تهیه شده است.
 (۳۲) کلیات شمس تبریزی، ص ۱۳۳۴، رباعی ش ۲۵۸.
 (۳۳) عکس این بشقاب در مرجع زیر چاپ شده است:
 Geza Feherrari and Yasin H. Safadi, *1400 Years of Islamic Art*, Khalili Gallery-London, 1981, p. 176.
 (۳۴) نزهة المجالس فی الاشعار، ص ۲۰۸، رباعی ش ۷۶۷.
 (۳۵) کلیات شمس تبریزی، ص ۱۴۲۱، رباعی ش ۱۲۰۱.

است و در موزه شهر کیف نگهداری می‌شود^{۲۷}. در حاشیه کاشی یکی از رباعیات منسوب به مولانا نوشته شده است^{۲۸}. در تاریخ ساخت این کاشی مولانا بیست ساله بوده و لذا بعید است که در فاصله زمانی به این کوتاهی رباعی رایج و روی کاشی نوشته شده باشد. این رباعی به ابوسعید ابوالخیر^{۲۹} و اوحدالدین کرمانی^{۳۰} نیز منسوب است. متن کامل این رباعی چنین است:

گفتم که دلم گفت کبابی کم گیر
گفتم چشم گفت سرابی کم گیر
گفتم که دلم گفت درین شهر امروز
صد صومعه بیش است خرابی کم گیر.

تصویر ۱۴

متعلق به بشقاب زرین فامی است که در اوایل قرن هفتم هجری ساخته شده است^{۳۱} و در موزه متروپولیتن نیویورک نگهداری می‌شود. در حاشیه این بشقاب یکی از رباعیات منسوب به مولانا نوشته شده است^{۳۲} که با توجه به زمان ساخت آن (حداکثر سال ۶۱۶ هـ، یعنی متأخرترین سنه‌ای که تاکنون روی این سبک سفالینه دیده شده است) این انتساب نادرست به نظر می‌رسد. این رباعی روی بشقاب زرین فام دیگری دارای تاریخ ۵۹۰ هجری نیز آمده است. این بشقاب در گالری خلیلی در لندن موجود است^{۳۳} و متأسفانه عکس روشنی از آن در دست نیست. این رباعی به صدرالدین خجندی نیز منسوب است^{۳۴}. متن کامل آن چنین است:

سادست هر آنج [ظ = هر آن که] با غم یار بساخت
مقصود بیافت هر ج [ظ = هر که] با کار بساخت



(تصویر ۱۴)

توجه به زمان ساخت کاسه (حداکثر سال ۶۱۶ هـ) و زمان تولد مولانا این انتساب منتفی است. متن کامل این رباعی چنین است:

گر من مستم ز روی بد کرداری
ای خواجه برو تو عاقل و هشیاری
تو غره مشو به طاعتی کرداری
کآن [در دیوان: این آن] سر پل نیست که می پنداری

تصویر ۱۸

متعلق به قطعه سفالی از يك بشقاب زرّین فام است که در اوایل قرن هفتم هـ ساخته شده است. این قطعه در موزه ملی ایران نگهداری می شود و قسمتی از يك رباعی منسوب به مولانا روی آن دیده می شود^{۳۷}. این رباعی در نیمه دوم قرن هفتم هـ و نیز بعد از آن تاریخ روی دهها کاشی دیگر آمده است. انتساب این رباعی به مولانا با توجه به زمان ساخت سفال (حداکثر سال ۶۱۶ هـ) و سال تولد مولانا نادرست است. این رباعی به ملك طغانشاه نیز

مولانا، این انتساب منتفی است. این رباعی به رضی الدین نیشابوری^{۳۶} و اوحدالدین کرمانی^{۳۷} نیز منسوب است. متن کامل این رباعی چنین است:

تا ظن نبری که من کمت می بینم
بی زحمت دیده هر دمت می بینم
ممکن نبود که شرح نتوان دادن
آن شادبها که در غمت می بینم

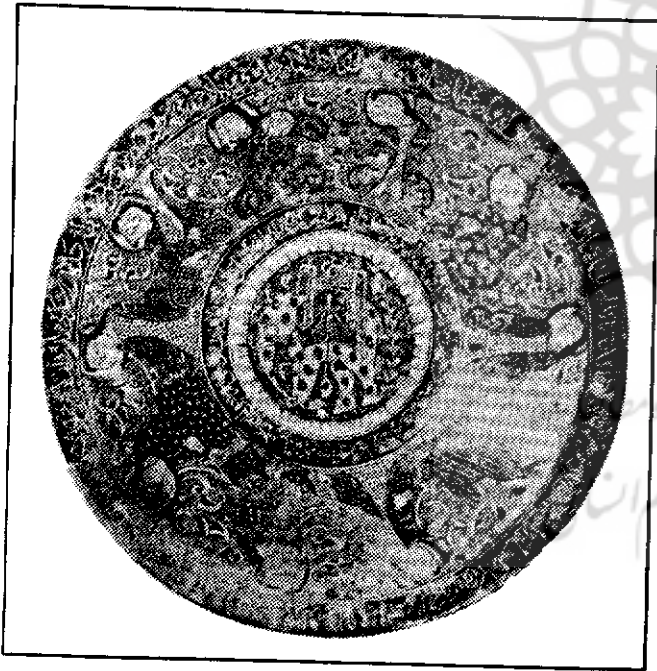
تصویر ۱۶

متعلق به بشقاب سفالین زرّین فامی است که در اوایل قرن هفتم هـ ساخته شده است و در موزه ملی ایران نگهداری می شود. روی بشقاب چند رباعی نوشته شده که یکی از آنها به مولانا منسوب است^{۳۸} ولی با توجه به زمان ساخت بشقاب (حداکثر سال ۶۱۶ هـ) و زمان تولد مولانا این انتساب نابجا است. متن کامل این رباعی چنین است:

گر [زاید به نظر می رسد] دل یاد تو آرد برود هوش از هوش
می بی لب لعل تو نمی گردد نوش
دیدار توام چشم همی دارد چشم
آواز ترا گوش همی دارد گوش

تصویر ۱۷

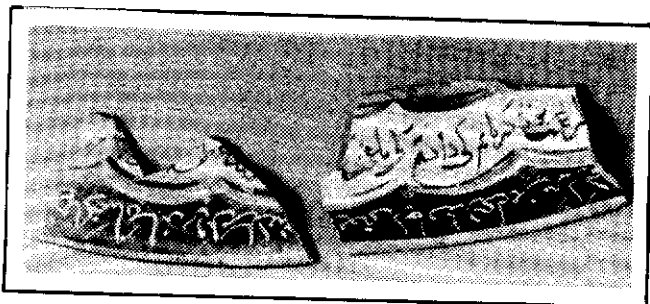
این اثر کاسه سفالین زرّین فامی است که در اوایل قرن هفتم هـ ساخته شده است و متعلق به مجموعه کلیکیان است^{۳۹}. در حاشیه کاسه یکی از رباعیات منسوب به مولانا نوشته شده^{۴۰} ولی با



(تصویر ۱۷)



(تصویر ۱۶)



تصویر ۱۸

منسوب است^{۴۲}. متن کامل آن چنین است:

گفتم که مگر غمت بود در مانم
کی دانستم که با غمت در مانم
بر خاک درت فتاده می دانستم
کاندر پی تو چو حلقه بر در مانم

این رباعی به افضل الدین کاشانی و اوحدالدین کرمانی نیز
منسوب است.

■ تصویر ۱۹

متعلق به کاشی زرین فام چهاربری است که در اوایل قرن هفتم هـ ساخته شده است و در موزه ملی ایران نگهداری می شود (تصویر رنگی روی جلد شماره قبل تشریدانش). یک گوشه از این کاشی ناقص است و به جای آن گوشه ای که متعلق به این کاشی نیست چسبانیده اند. روی کاشی سه رباعی دیده می شود که یکی از آنها به مولانا منسوب است^{۴۳} ولی با توجه به زمان ساخت کاشی و زمان تولد مولانا این انتساب نادرست است. این رباعی به فخرالدین مبارکشاه غوری نیز منسوب است^{۴۴}. متن کامل آن چنین است:

تا گشت گشاده بر دل اسرار غمت
ندهم به گل همه جهان خار غمت
ما پشت سوی جهان شادی کردیم
زین بس روی زرد ما و دیوار غمت

*
چون بت رخ تست بت برستی خوشتر
چون باده ز جام تست مستی خوشتر
در هستی عشق تو چنان نیست شوم
کان نیستی از هزار هستی خوشتر

این رباعی به عمر خیام و برهان الدین گنجه نیز منسوب است.

*
از من زر و دل خواستی ای مهر گسل
حقا که نه آن دارم و نی این حاصل
زرکو زرکی زر کجا مفلس و زر؟
دل کو دل کی دل از کجا عاشق و دل؟

این رباعی روی یک شمعدان فلزی نگاشته شده و تا به حال
روی سفال یا کاشی دیده نشده است^{۴۵}.

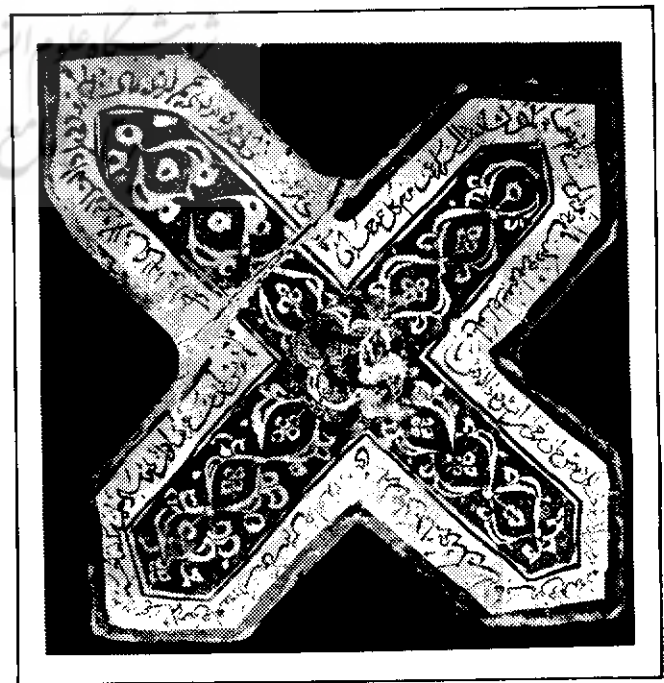
*
اندر ره حق چو چست و چالاک شوی
نور فلکی باز به افلاک شوی
عرشست نشیمن تو شرمت ناید
چون سایه مقیم خطه خاک شوی؟

این رباعی به افضل الدین کاشانی، فخرالدین رازی،

بقیه رباعیات مولانا که روی اشیاء متعلق به نیمه دوم قرن هفتم
هجری به بعد آمده است، به شرح زیر است:

حاشیه:

- (۳۶) نزهة المجالس فی الاشعار، ص ۲۳۶، رباعی ش ۹۸۷.
(۳۷) دیوان رباعیات اوحدالدین کرمانی، ص ۳۱۳، رباعی ش ۱۷۸۷.
(۳۸) کلیات شمس تبریزی، ص ۱۴۰۶، رباعی ش ۱۰۳۹، این رباعی بدون ذکر نام سراینده آن در نزهة المجالس فی الاشعار، ص ۵۵۷، رباعی ش ۳۶۷۱ نیز آمده است.
(۳۹) عکس این کاسه توسط موزه ویکتوریا و آلبرت برای نگارنده فرستاده شده است.
(۴۰) کلیات شمس تبریزی، ص ۱۴۸۸، رباعی ش ۱۹۲۸.
(۴۱) همان، ص ۱۴۳۰، رباعی ش ۱۲۹۸.
(۴۲) نزهة المجالس فی الاشعار، ص ۲۴۱، رباعی ش ۱۰۳۱.
(۴۳) کلیات شمس تبریزی، ص ۱۴۰۵، رباعی ش ۱۰۲۵، قافیه این رباعی در مرجع مذکور «غمش» می باشد.
(۴۴) نزهة المجالس فی الاشعار، ص ۲۳۷، رباعی ش ۱۰۰۲.
(۴۵) این رباعی را آقای ملکبان شیروانی خوانده و در مرجع زیر چاپ شده است:



(تصویر ۱۹)

عمر خیام، اوحدالدین کرمانی و احمد بدیهی سجاوندی نیز منسوب است.

این رباعی به افضل‌الدین کاشانی نیز منسوب است.

*

عشق آمد و شد چو خونم اندر رگ و پوست
تا کرد مرا تهی و پر کرد ز دوست
اجزای وجود من همه دوست گرفت
نامی است ز من بر من و باقی همه اوست

این رباعی به افضل‌الدین کاشانی، ابوسعید ابوالخیر و اوحدالدین کرمانی نیز منسوب است.

*

رفتی و نرفت ای بت بگزیده من
مهرت زد دل و خیالت از دیده من
می‌گردم من که بلکه پیشم افتی
ای راهنمای راه پیچیده من

این رباعی به یمن‌الدین سبط اصفهانی و خواجه عبدالله انصاری نیز منسوب است.

*

ای بی‌خبر از مغز شده غره به پوست
هش‌دار که در میان جان داری دوست
حس مغز تنست و مغز حست جان است
چون از تن و حس و جان گذشتی همه اوست

*

جهان و کار جهان سر بسر اگر بادست
چرا ز باد مکافات داد و بیدادست
این بیت به مجیرالدین بیلقانی نیز منسوب است.

دل‌تنگم و دیدار تو درمان منست
بی‌رنگ رخت زمانه زندان منست
بر هیچ دلی مباد و بر هیچ تنی
آنچ از غم هجران تو بر جان منست

*

ای تور دل و دیده و جانم چونی؟
وی آرزوی هر دو جهانم چونی؟
من بی لب لعل تو چنانم که می‌رس
تو بی رخ زرد من ندانم چونی.

این رباعی به اثیرالدین اخسیکتی نیز منسوب است.

*

تا حاصل دردم سبب درمان گشت
پستیم بلندی شد و کفر ایمان گشت
جان و دل و تن حجاب ره بود کنون
تن دل شد و دل جان شد و جان جانان گشت

این رباعی به افضل‌الدین کاشانی و امامی هر وی نیز منسوب است.

*

تا در طلب گوهر کانی کانی
تا در هوس لقمه نانی نانی
این نکته رمز اگر بدانی دانی
هر چیز که در جستن آنی آنی

منتشر شد

مجله باستان‌شناسی و تاریخ

(سال هشتم، شماره اول)

- عنوان مقاله‌ها:
- شوق در شوش و انتظارات
- روش کاوش در باستان‌شناسی
- واریسی دوره ماد
- قبور و آیین تدفین در دوره ساسانی
- کبوترخانه‌های اصفهان در منابع خارجی
- بازیزوهی نیایشگاههای مقاره‌ای مانویان در تورفان
- مسجدجامع اشترگان
- نقد و معرفی کتاب
- کتابهای تازه فارسی
- کتابهای تازه خارجی
- خبرها